

نارساخوانی و تدریس به

دانش آموزان نارساخوان در کلاسهای عادی

عبادالله حسن پور هشتایجانی

بیش از یک قرن است که مشخص شده همیشه بیسوادی پیامد فقدان آموزش یا پایین بودن هوش نیست. برخی از کودکان که از هوش طبیعی برخوردار می‌باشند و از فرصت‌های مناسب و کافی یادگیری نیز استفاده کرده‌اند در فراگیری خواندن و نوشتن دارای مشکلات زیادی هستند. اصطلاح "نارساخوانی" به طور گسترده‌ای به عنوان علت این نوع از مشکلات به کار رفته است.

به طور کلی به مسأله "نارساخوانی" به عنوان نوعی مشکل در اکتساب مهارت‌های خواندن، نوشتن و هجی کردن در دوران کودکی نگاه می‌شود (مایلز، ۱۹۹۳، تامسون، ۱۹۹۰)^۱، گرچه این گونه مشکلات سواد-آموزی به دوران بزرگسالی نیز توسعه می‌یابد (بروک، ۱۹۹۳)^۲ مایلز (۱۹۹۳).

چنین ناتوانی‌هایی منجر به مشکلات عمیق یا شکست در امور تحصیلی می‌گردند. پیامدهای این وضعیت می‌تواند به مسایل هیجانی یا

رفتارهای بزهکارانه و ضداجتماعی منتهی گردد (اورت، ۱۹۹۴).

مشکل خواندن اولین نوع از مشکلات یادگیری خاص بود که تشریح گردید. در سال ۱۸۷۸ میلادی پزشکی آلمانی به نام دکتر "کاسمال"^۳ مردی را که قادر به یادگیری خواندن نبود گزارش نمود. این مرد از نظر هوشی طبیعی بود و آموزش مناسبی نیز دریافت کرده بود. دکتر کاسمال این وضعیت را "کوری خواندن"^۴ نامید. نه سال بعد پزشک آلمانی دیگری اصطلاح نارساخوانی را برای این وضعیت وضع کرد. در سال ۱۸۹۵ دکتر هینشل وود^۵، گزارشی را منتشر کرد و این وضعیت را "کوری لغت"^۶ نامید. یکسال بعد دکتر "مورگان"^۷ کودک چهارده ساله‌ای را با مشکل خواندن گزارش کرد. معلم این پسر نوشت "اگر آموزش کاملاً به صورت شفاهی باشد او باهوش‌ترین کودک مدرسه خواهد بود" (سلیکو ویتز، ۱۹۹۸).

هرچند بر اساس یک ارزیابی حدود ۱۰-۱۵ درصد کل جمعیت دارای نارساخوانی هستند (ریان، ۱۹۹۴) و از نارساخوانی اصطلاح گیج کننده‌ای برای بیشتر مربیان و معلمان می‌باشد. از آنجا که بسیاری از دانش آموزان نارساخوان در کلاسهای عادی قرار دارند، اغلب معلمان سعی می‌کنند بدون اینکه از سایر دانش آموزان غفلت نمایند به این دانش آموزان کمک نمایند. ما در این نوشتار به دنبال پاسخ دادن به سوالات ذیل هستیم تا از این طریق به راه حلی عملی برای برخورد با این موضوع (مسأله) دست یابیم:

نارساخوانی و ویژگی‌های افراد نارساخوان چیست؟ چگونه نیازهای آموزشی دانش-آموزان نارساخوان را می‌توان در کلاسهای عادی برآورده کرد؟

تعریف:

با آنکه بیش از یک قرن از زمان تشخیص و شناسایی این مشکل می‌گذرد هنوز یک تعریف

جامع که بتواند همه ابعاد این مسأله را در بر داشته باشد ارائه نگردیده است. تعریف حاضر یکی از دهها تعریفی است که ارائه شده است:

نارساخوانی یک اختلال با منشاء سرشتی است که از طریق وجود مشکلاتی در یادگیری خواندن، نوشتن یا هجی -

کردن، علی رغم بر خورداری از آموزشهای مرسوم، هوش طبیعی و فرصتهای اجتماعی فرهنگی آشکار می گردد (جامعه نارسا خوانی اورتون^{۱۱} ۱۹۸۸ ص

۲). علاوه بر این "کامپی^{۱۲}" (۱۹۹۲) نارساخوانی را به عنوان یک مشکل مادام العمر در پردازش اطلاعات واج شناختی که شامل، رمز گذاری، بازیابی و استفاده از کدهای واج شناختی

و وجود نقایصی در تولید گفتار و آگاهی واج شناختی می شود، تعریف می کند. وی نارساخوانی را یک مشکل زبانی و نه یک مشکل هوشی می داند. (ویلیکینز، گارسید و انقیلد ۱۹۹۳ به نقل از وادلینگتون^{۱۳} و همکاران ۱۹۹۶).

متخصصان بین نارسا خوانی تحولی^{۱۴} (که تصور می شود منشاء مادرزادی یا ارثی دارد) و نارساخوانی اکتسابی^{۱۵} (که پیامد آسیب مغزی بعد از یادگیری خواندن است) تمایز قایل می شوند.

بیشتر دانش آموزان نارسا خوان در کلاسهای عادی دارای نارساخوانی تحولی می باشند که تصور می شود با تفاوت های مغزی و کروموزومی مرتبط باشد.

ویژگی های دانش آموزان نارساخوان:

- ناتوانی در یادگیری و به خاطر سپردن کلمات با دیدن

- وارونه نویسی، برای مثال: نوشتن کلمه "روز" به صورت "زور"

- وجود مشکل در هجی کردن^{۱۶}

- سازماندهی مطالب

- مشکل یافتن کلمات صحیح برای برقراری ارتباط شفاهی و کتبی

- عدم کسب لذت از خواندن

- مشکل در دیکته نویسی

- وارونه سازی حروف و کلمات

- مشکل اندوزش و بازیابی

اسامی از کلمات چاپی

- حافظه بینایی ضعیف برای نمادهای کلامی (زبانی)

- حرکات غیر ارادی چشم موقع خواندن

- مشکل پردازش شنیداری

- مشکل استفاده از مطالب خوانده شده در موقعیت های اجتماعی یا یادگیری

- دست خط ناخوانا

- خام حرکتی و عدم مهارت در استفاده از دستها

(افروز، میرنسب ۱۳۷۹).

نارسا خوانی بر هر فرد تأثیرات متفاوتی می گذارد. نشانه های اولیه نارساخوانی شامل مشکلاتی در یادگیری صحبت کردن، به خاطر آوردن، تلفظ صحیح کلمات، بیان معنادار ایده ها، شنیدن یا دنبال کردن دستورالعمل ها می شود. کودکان خردسال تر ممکن است یکی یا ترکیبی از این مشکلات را داشته باشند: یادگیری حروف

الفبا، توالی سازی، قافیه سازی، حفظ کلمه، خواندن، نوشتن و هجی کردن. سایر علائم و نشانه ها که



ممکن است همراه با نارسا خوانی باشد یا نباشد نیز عبارتند از: داشتن حس ضعیفی از زمان و مکان، ناتوانی در انجام به موقع تکالیف، بدخطی شدید، مهارت‌های نامناسب سازماندهی، ناتوانی در توجه کردن، داشتن ادراک ضعیفی از مفاهیم قبل، بعد، راست و چپ، عادت‌های ضعیف مطالعه، داشتن مشکل در نگهداری از لوازم شخصی و بعضی اوقات داشتن مشکلاتی در حساب. اغلب معلمان و مربیان در ایجاد تمایز بین دانش‌آموزان نارساخوان و دیرآموز مشکل دارند. دانش‌آموزانی که دارای مشکلات یادگیری (نارساخوانی) هستند اغلب به طور معنی‌داری در برخی زمینه‌ها خوب و در برخی دیگر خیلی ضعیف عمل می‌کنند، از سوی دیگر دانش‌آموزان دیرآموز همواره در بیشتر زمینه‌ها در زیر سطح متوسط قرار دارند. اغلب والدین و معلمان به کودکان نارساخوان به عنوان افرادی زرتنگ که می‌بایست سخت‌تر کار نمایند می‌نگرند. این نگرش فشار زیادی را بر این کودکان وارد می‌کند زیرا آنها تقریباً حداکثر سعی و تلاش خود را انجام می‌دهند. عملکرد افراد نارساخوان نامنظم است. ممکن است آنها قادر باشند که تکلیفی را به سادگی در یک روز انجام دهند اما نتوانند در روز دیگری همان تکلیف را انجام دهند، یا ممکن است آنها بتوانند تکالیف پیچیده و مشکلی را حل نمایند اما وقتی می‌خواهند تکلیف

ساده‌ای را حل نمایند به زحمت و دست و پا زدن می‌افتند و ممکن است یک نوع اشتباه را به چند روش مختلف مرتکب شوند (برای مثال تلفظ اشتباه یک کلمه به پنج شکل مختلف در یک تکلیف).

این نوسان در شدت نارساخوانی، جبران کردن ضعف‌ها و اشکالات را برای افراد نارساخوان مشکل می‌نماید. افراد نارساخوان از خود تصور ضعیفی دارند، از لحاظ اجتماعی به بلوغ نرسیده‌اند و در برقراری ارتباط شفاهی مشکل دارند. وقتی آنها در برآورده کردن انتظارات دیگران با شکست مواجه می‌شوند و یا قادر نیستند که به اهداف مورد نظر خود دست یابند، دچار احساس ناکامی، اضطراب، عدم صلاحیت، افسردگی و خشم می‌گردند.

برآوردن نیازهای دانش‌آموزان نارساخوان

بعد از اینکه افراد نارساخوان توانستند قدم به قدم تکالیف را یاد بگیرند ضروری است این تکالیف را به بخش‌های ساده‌تر تجزیه نمایند. علاوه بر این آنها به محیط یادگیری قابل پیش‌بینی، که دارای ساختار ثابتی است نیاز دارند. در موقع تدریس به کودکان نارساخوان معلمان باید اصطلاحات (انطباق^{۱۷}) و (اصلاح^{۱۸}) را در ذهن داشته باشند. به طور کلی، انطباق به راهبردی که محیط آموزشی را تغییر می‌دهد، اشاره می‌کند و بنابراین دانش‌آموزان را قادر می‌سازد که آنچه را می‌دانند نشان دهند. معمولاً انطباق نوع

اطلاعات و یا میزان آن را که کودک باید فراگیرد تغییر نمی‌دهد. استفاده از آزمون‌هایی که وقت محدودی برای پاسخ دادن ندارند یا اختصاص دادن زمان بیشتری برای انجام تکالیف نمونه‌هایی از انطباق است.

از دیگر سوی راهبرد (اصلاح) نوع تکلیف را تغییر می‌دهد و آن را از کار سایر دانش‌آموزان متفاوت می‌سازد و نوید بخش کسب موفقیت است. درخواست ارائه یک گزارش به صورت شفاهی زمانی که از سایر دانش‌آموزان خواسته شده گزارشی را بنویسند مثالی از (اصلاح) است. اغلب انطباق و اصلاح همپوشی دارند و بسیاری از افراد از این اصطلاحات به عنوان واژه‌های مترادف استفاده می‌نمایند. پژوهشگران مداخله‌های گوناگونی را در حوزه‌های آموزش عمومی، مطالعه و مهارت‌های سازماندهی، مورد پژوهش قرار داده‌اند. معلمان باید سعی کنند از این راهبردها استفاده نمایند و هر جا که لازم بود جهت برآورده کردن نیازهای دانش‌آموزان خود آنها را تغییر دهند.

آموزش عمومی

ضروری است که معلمان در طی زمان تدریس از نیازهای دانش‌آموزان نارساخوان آگاهی داشته باشند. معلمان باید هدف‌های هر درس را به روشنی بیان کنند و آنها را به صورت تصویری روی تخته سیاه و یا بوسیله پروژکتور اورهد نمایش

دهند. دستورالعمل‌ها باید واضح باشند و به صورت شفاهی و دیداری بیان شوند. اطلاعات می‌بایست همراه با یکسری مثالهای عینی و ملموس شرح داده شود. ارائه درس باید سازماندهی شده باشد و از الگوهای متنوع تدریس استفاده کند (برای مثال آموزش به صورت تعاونی (مشترک) یا بحث و تبادل نظر مفید است.) از آنجا که دانش آموزان نارسا خوان در توالی سازی مشکل دارند ضروری است که حروف الفبا، اعداد، تقویم، ... در کلاس نصب شود. دانش آموزان نارسا خوان باید نزدیک نقطه‌ای که آموزش ارائه می‌شود در کلاس بنشینند. آنها برای فرمول‌بندی پاسخها به زمان بیشتری نیاز دارند. آنها می‌بایست زودتر از بقیه دانش آموزان از تکالیف خواندنی و سوالات آگاهی داشته باشند، از این طریق آنها فرصتی برای تمرین بدست می‌آورند. چون مقابله با نارساخوانی خیلی خسته کننده است، دانش آموزان نارسا خوان ممکن است نسبت به دانش آموزان عادی به زمان استراحت بیشتری نیاز داشته باشند. علاوه بر همه موارد فوق دانش آموزان نارساخوان نباید از طرف معلم و یا سایر همسالان خود به عنوان دانش آموزانی کودن در نظر گرفته شوند. در مقابل باید آنها را به خاطر توانایی‌هایی که دارند و یا موفقیت‌هایی که کسب می‌کنند و حتی تلاشی که انجام می‌دهند مورد تشویق و تمجید قرار داد. ممکن است این دانش آموزان به

تکالیف کمتر و کوتاهتری به ویژه، تکالیف خواندنی و نوشتنی نیاز داشته باشند. اگر نوشتن برای کودک بسیار دشوار است، در اختیار قرار دادن یادداشت‌های یکی از دانش آموزان و یا معلم به این دانش آموزان این فرصت را می‌دهد که انرژی خود را به شنیدن اختصاص دهند تا اینکه آن را صرف یادداشت‌برداری و یا رونویسی از مطالب سایر کودکان که کاری پر زحمت است نمایند. در سه‌باید بوسیله تکلیف‌های چند حسی تدریس شوند. آموزش چند حسی اطلاعات را از چند مسیر مختلف به مغز می‌فرستد و شیوه‌های مختلف یادگیری را هماهنگ می‌کند. برای مثال دانش آموزان نارساخوان می‌توانند در حالیکه کلمات را با صدای بلند تلفظ می‌کنند آنها را در سینی ماسه‌ای یا روی فرش بنویسند و یا افعال کنشی و حروف اضافه را بوسیله وضعیت بدن خود نشان دهند. این روش برای همه دانش آموزان شاد و مهیج است.

مهارتهای مطالعه و سازماندهی

دانش آموزان نارساخوان برای ایجاد سازماندهی نیاز به کمک دارند. والدین و معلمان باید برای ایجاد یک تقویم روزانه و بلندمدت که دربرگیرنده روزها و وقایع معینی است به آنها کمک نمایند. پروژه‌های درسی باید به عناصر تشکیل دهنده و تاریخهای معین در هر قسمت تقسیم شوند. وقتی که دانش آموز هر جزء را تکمیل می‌کند باید از معلم خود بازخورد دریافت کند نباید برای دریافت بازخورد منتظر بشود که

پروژه تمام گردد. ضبط کردن برنامه‌های کلاسی اغلب به دانش آموزان کمک می‌کند. همچنین آنها باید بتوانند کتابهای درسی و راهنما را ضبط نمایند. مدارس باید کتابچه‌های درسی را با عنوانهای (خط‌های درشت و مثالهای واضح تهیه نمایند. استفاده از کتابچه و دفترچه‌هایی که جلد رنگی دارند به این دانش آموزان کمک می‌کند تا به سرعت کتابهای مناسب و مورد نظر خود را انتخاب کنند. در اختیار قرار دادن عناوین برنامه‌ها و فعالیت‌ها قبل از شروع کلاس به نفع این سری از دانش آموزان است. مرورهای فراوان قبل از امتحان ضروری است. دانش آموزان نارساخوان نیاز دارند که مهارتهای یادداشت‌برداری (نت برداری) را بیاموزند. بعضی اوقات ضروری است که یک دانش آموز نارساخوان را با یک دانش آموز عادی برای یادداشت برداری و مرور درسه‌ها در یک گروه قرار دهیم. این دانش آموزان به کمک‌های ویژه‌ای نیاز دارند تا یادگیرند چگونه به روش چند حسی مطالعه کنند. برای مثال وقتی که یک محتوای درسی را مطالعه می‌کنند ممکن است دانش آموز آن قسمت را با صدای بلند بخواند و یا قسمتهای مهم آن را مشخص نماید. آنها می‌توانند واژگان، تعاریف، فرمولها و توضیحات را ضبط نمایند و همانطور که به آنچه ضبط کرده‌اند گوش می‌دهند آن را بوسیله دو انگشت بر روی سطحی بنویسند. استفاده از علائم اختصاری (مخفف، مثلا

نزا که علامت اختصاری نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران است) و همراه کردن یادگیری با موسیقی و ریتم نیز می‌تواند برای این افراد مفید واقع گردد.

هنرهای زبان

معلم‌ان باید به یاد داشته باشند که بسیاری از افراد نارساخوان مقدار زیادی از انرژی خود را صرف رمزگشایی اطلاعات می‌کنند و در نتیجه نیروی کمی برای درک و فهم موضوع برای آنها باقی می‌ماند. عکس این مطلب نیز صادق است، ممکن است دانش آموز نارساخوان در درک و فهم متنی که از آن استفاده می‌کند با توجه به تجارب قبلی خود مشکلی نداشته

باشد اما قادر به تلفظ کردن کلمات نباشند. در آموزش هنرهای (مهارت‌های) زبانی نیز باید از آموزش چند حسی، متوالی و مستقیم استفاده کرد. افراد نارساخوان به آموزشی وسیع، واضح و دارای ساخت برای قواعد آوایی و کاربرد آن برای نوشتن نیاز دارند.

دانش آموزان نارساخوان اغلب خیلی کند می‌خوانند، لذا آنها برای انجام تکالیف خارج و درون کلاسی به زمان بیشتری نیاز دارند. ستن‌های ضبط شده و همخوانی با سایر دانش آموزان به آنها اجازه می‌دهد که مثل بقیه به تنهایی متن را دنبال نمایند. ارائه سوالات قبیل از خواندن به دانش آموزان کمک

می‌کند تا اطلاعات را سازماندهی نمایند و تشخیص دهند که چه چیزی مهم است. خواندن با صدای بلند از روی کتابهای مورد علاقه دانش آموز که از نظر زبانی غنی می‌باشند به ساخته شدن درک و واژگان و مفاهیمی فراتر از سطح خواندن آنها کمک می‌کند.

مهارت نوشتن این دانش آموزان نیز ضعیف است. استفاده از ماشین‌های تایپ کمک بزرگی به نوشتن این افراد می‌کند. معلم‌ان باید انتظارات خود را در مورد دستخط دانش آموزی که دارای مشکل نارسانویسی است پایین بیاورند. دستخطی را که خوانا باشد هرچند کامل و صحیح



- زیر نویس:
- 1- Dyslexia
 - 2- Miles & Tomson
 - 3- Bruck
 - 4- Everatt
 - 5- Dr. Kussmal
 - 6- Reading Blindness
 - 7- Dr. Hinshelwood
 - 8- Word Blindness
 - 9- Seliko witz
 - 10- Ryan
 - 11- Orton dyslexia society
 - 12- Kamni
 - 13- E. Wadlington
 - 14- Developmental dyslexia
 - 15- Acquired dyslexia
 - 16- Spelling
 - 17- Accomodation
 - 18- Modification

مثل همه دانش آموزان محیط امتحان برای دانش آموزان نارساخوان باید تا حد امکان فارغ از استرس باشد. آگاهی از این موضوع که زمان کافی و مناسبی برای امتحان دادن وجود دارد می تواند اضطراب را کاهش دهد. معمولاً بهتر است اجازه داده شود که دانش آموز در اتاق یا ساعت دیگری امتحان بدهد. دانستن اینکه معلم منصف و دلسوز است مسلماً به کاهش نگرانی و اضطراب منجر می شود.

نتیجه گیری

نارساخوانی به عنوان یکی از مشکلات یادگیری سابقه یک قرنی دارد، و با توجه به ابعاد مختلفی که دارد گروههای مختلفی از متخصصان را به امر تحقیق و پژوهش واداشته است. هنوز تعریف جامع و واحدی از این مشکل وجود ندارد. ولی عده ای نه چندان اندک از افراد جامعه بدان گرفتار هستند و ضروری است که یک برنامه جامع برای برآوردن نیازهای این افراد تدارک دید. معلمان باید در نظر داشته باشند که هر چند نارساخوانی غیر قابل رویت است اما یک ناتوانی واقعی است. مداخله های آموزشی بدین معنی است که به این دانش آموزان فرصت برابری داده شود نه اینکه امتیازات ناعادلانه ای به آنها داده شود. راهبردهای عنوان شده در این مقاله می تواند به عنوان نقاط شروع و آغازین برای کار با این دانش آموزان در نظر گرفته شود.

نباشد باید پذیرفت و مورد تشویق قرار داد. استفاده از ماشین تحریر یا کلمه پرداز می تواند بر این مشکل غلبه کند. در مواردی که دستخط دانش آموز نامفهوم است ممکن است لازم باشد آنها تکلیف و کار خود را با صدای بلند برای معلم بخوانند.

آزمونگری (امتحان گرفتن)

دانش آموزان نارساخوان در امتحانات درسی نیاز به حمایت دارند. معلمان می توانند دستورالعمل ها را با صدای بلند برای آنها بخوانند یا زیر آنها خط بکشند. دانش آموز باید اجازه داشته باشد که دستورالعمل های شفاهی را اگر نیاز به تکرار کردن آنها دارد ضبط نماید. برگه امتحانی باید با حروف درشت تایپ شده باشد. تابه آسانی قابل خواندن باشد. باید از تنوع در آیتم های چاپی جلوگیری کرد و از امتحان گرفتن از بخش های طولانی نیز اجتناب کرد. زمان امتحان باید برای این دانش آموزان طولانی تر در نظر گرفته شود و در برخی موارد از تعداد سوالات امتحانی کاست. لازم است که دانش آموزان به جای پاسخ دادن در پاسخنامه مستقیماً بر روی پرسشنامه جواب دهند. نباید به خاطر غلط های املایی با آنها برخورد شود. در مواردی هم می توان امتحان را به صورت شفاهی برگزار کرد. برخی از دانش آموزان به فردی نیاز دارند که سوالات امتحان را برای آنها بخواند (برای مثال والدین، افراد داوطلب، معلم مرجع و یا دستیار تدریس).

منابع:

۱- نیلمن " کودک استثنایی در مدرسه عادی " ترجمه افروز و میرنسب، تهران، نشر نوادر، ۱۳۷۹

2- g. Eveatt(1999) " Reading and dyslexia, visual and attentional processes. london, Newyork. Routledge.

3- E.selikowitz (1998) " Dyslexia and other learning difficulties, Oxford. oxford university press.

4- E. wadlington, sh.Jacob and s. Bailey (1996). Teaching student with Dyslexia in regular classroom. childhood Education, fall.n.3 pp,2-5